

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۲ اپریل ۲۰۲۴



یونس نگاه

وطني که زیبا نیست



بهار شده و وطنداران ما از گوشه و کنار کشور عکس دشت‌ها، تپه‌ها و کوه‌های گلدار و سبزه‌دار و آبدار می‌گذارند و از زیبایی وطن تمجید می‌کنند. عکس ضمیمه این پست را پژواک از میله‌ای در بادغیس، نشر کرده است. در زیبایی فصل بهار تردیدی نیست. برای ما که وطن کمباران داریم و بیشتر سال را در خاک و خاک‌باد سپری می‌کنیم، دیدن این سرسبزی گذرا هیجان‌آور است. ولی بر این زیبایی گذرای بهار سایه تیره زشتی حاکم بر جامعه ما آشکار است. اگر در عصر سنگ و چوپانی می‌زیستیم شاید حق می‌داشتیم که اوج زیبایی‌ها را در طبیعت دست‌نخورده

جست و جو کنیم. ولی حالا وقتی وطن خود را با همتایانش در منطقه و دورتر از منطقه مقایسه می‌کنیم، بیشتر به زشتی وطن پی می‌بریم تا زیبایی آن.

مثلاً همین عکس را ببینید. تپه‌ها خالی از درختند. گویا هیچ آدمی‌زادی در این دوروبر زندگی نکرده است. میله‌جای هم دشت خالی است. اگر موتورها را فراموش کنیم، این صحنه هیچ نشانه‌ای از امروز ندارد. صدسال پیش هم همین صحنه‌ها وجود داشته، و شاید هزارسال پیش نیز مردم همین‌طور در دامن طبیعت بکر کشتی می‌گرفته‌اند. نه در پوشش، نه در فرهنگ، و نه در محیط کدام تغییر بنیادی دیده می‌شود. شاید همین صحنه در دوران چنگیز خان نیز در این سرزمین جریان داشته است. شاید در دوران کوشانی‌ها نیز اگر کامره می‌بود صحنه شبیه این ثبت می‌شد. تفاوتش در اسب و موتر و رنگ کلاه و لباس مردم می‌بود، باقی همان طبیعت، همان مردم سرگردان و همان میله بدوی.

در بعضی عکس‌ها مردانی با ظواهری که شباهت به امروز ندارند و بیشتر به گذشتگان دور می‌مانند پشت به شهر کابل عکس می‌گیرند و می‌نویسند که چه شهر زیبایی داریم. از صورت آن افراد محرومیت و عقب‌ماندگی تحمیلی آشکار است. شهری که مقداری سمنت از این عصر گرفته و یک مقدار هم طبیعتش هنوز نفس می‌کشد چه زیبایی دارد؟ شهر گرسنگان، شهر بی آب پاک، بی‌فاضلاب، بی‌کارخانه و جای کار، بی‌برق و گاز، بی‌مکتب و پژوهشگاه و شهری که آدم‌هایش در ابتدائی‌ترین امور زندگی شخصی و اجتماعی رأی ندارند، چگونه زیباست؟

وطن ما امروزها نازیباترین گوشه جهان است. چرا که آبش هدر می‌رود، خاکش بی‌حاصل می‌ماند، آدم‌هایش گرسنه می‌خوابند، دخترانش از تعلیم محرومند، پسرانش نیز چندان تعلیم ندارند. حاکم و ناحاکم چشم به دست مؤسسات و دولت‌های کم‌کمرسان دارند، نعمات مادی و نیروی بشری‌اش چون گنج‌هایی در گروگان گله‌ای از دزدان بی‌استفاده می‌ماند، ناامیدی بیداد می‌کند و عقب‌مانده‌ترین قشر جامعه اداره کشور را قبضه کرده است.

این وطن را می‌توان زیبا ساخت. گام اول زیباسازی آگاهی از عوامل نازیبائی امروز وطن و جامعه ماست. اگر برای زیباساختن وطن تعهد داشته باشیم وقتی با صحنه‌هایی چون این عکس از میله بادغیسی‌ها روبه رو می‌شویم شاد نه بلکه نگران می‌شویم. نگرانی در این موارد نشانه بیداری است. اندوهگین شدن و ترس برداشتن، بسیار بهتر از غافل ماندن است.